

درمقابل موضع همدلانه اصلاح طلبان رادیکال درباره حمایت فائزه هاشمی از ترامپ برخی اعضای کارگزاران با او مرزبندی کردند

مصلحت مرزبندی با رادیکالیسم

خارجی پیوند نمی زند اظهار کرد که نباید برای تحولی در داخل کشور به دخالت بیگانه چشم داشت. او همچنین نوشت که تحریم همه جانبه ایران که حتی شامل دارو و اقلام درمانی هم می شود بیشتر از هرچیز و هر کس دیگر به مردم ایران فشار آورده و لذا نباید با چنین وضعی به مساله غیر کارشناسی نگاه کرد و مدافع یک فرد نامتعال از نظر روانی شد.

از این رو و با توجه به همین صفا آرایبی مجدد باید گفت اهمیت دوقطبی کنونی در این است که دوباره یک چالش قدیمی زنده شده و نشان می دهد اصلاح طلبان همچنان نتوانسته اند این مساله را در خود حل و فصل کنند تا بالاخره مشخص شود اصلاح طلبی درون نظام تعریف می شود یا خارج از آن، چرا که قاعدتا نمی شود یک جریان همزمان هم مدافع ایران باشد و هم مدافع دونالد ترامپ، هم داعیه منافع ملی را داشته باشد، هم مدافع تحریم و ترور. این یک وجه ماجراست که طبیعتا باید درون جریان اصلاحات به آن پرداخته شود و یک بار برای همیشه تعیین تکلیف.

از انتقاد به حکومت تا مرزبندی با مردم

وجه دوم ماجرا این است که هر عقل سلیمی که دل در گرو ایران و مردمش داشته باشد نمی تواند مدافع زورگویی، تحریم و ترور باشد. فرض کنید یک فعال اصلاح طلب، یا نه، هر کسی که انتقادی به عملکرد مسئولان دارد، در چارچوب خاصی انتقاد خود را بیان می کند یا اینکه با کنش سیاسی - اجتماعی تلاش می کند ضمن بیان انتقاد، یک پله به بالا تر برود و مرزبندی مشخص و معینی میان خود با مواضع حکومت ایجاد کند. اینچنین رفتاری هرچقدر هم که تند و تیز باشد قاعدتا غیرطبیعی نیست و نمی تواند به عنوان ضدیت با مردم و منافع آنها تعریف شود. چنان که فائزه هاشمی پیش از این و در موارد متعددی از ماجرای دو چرخه سواری زنان تا مواضعی بسیار رادیکال تر را در کارنامه داشت و کسی او را متهم به ضدیت با مردم نمی کرد. در مقابل اما اگر کسی پا فراتر گذاشت و برای مثال مدافع ترامپ و اقدامات او شد آنگاه تعبیر متفاوتی در میان عمومی مردم و حتی بدنه اجتماعی خود و حزیش دارد. مسلم است که تحریم و ترور خوشحالی ندارد، چنان که در این سال ها مردم زخم خورده اصلی این اقدامات بوده اند و امروز هم داغ بزرگی به دل دارند. از این رو هر کسی که در ورطه حمایت از چنین چیزی بیفتد حتما به جای حاکمیت با مردم مرزبندی کرده و آنگاه تفاوتی با ترامپ و پمپئو و برایان هوک نخواهد داشت.

البته ناگفته نماند از آنجایی که فائزه هاشمی اکنون در میان جریان اصلاح طلب قرار دارد و خواه ناخواه به آنها منتسب است، اثرات اجتماعی حرف هایش بر تمامی اعضای این جریان سایه خواهد انداخت و قاعدتا یک چالش جدید میان آنها و بدنه اجتماعی شان ایجاد خواهد کرد و حتما این سوال طرح خواهد شد که دیگر کدام یک از اعضای این جریان حامی ترامپ هستند. از این رو باید یک مسئولیت جدید هم در این موضوع برای اعضای این جریان و حتی فراتر از آنها جست و جو کرد. قاعدتا هر عقل سلیمی که توان تحلیل و نتیجه گیری منطقی داشته باشد نمی تواند خود را در زمره ترامپ و دارودسته اش قرار دهد و با شنیدن حمایت های داخلی از رئیس جمهور ظالم آمریکا باید واکنش نشان داده و نسبت به آن اعلام موضع کند؛ چه آنکه این موضع یک حرف برآمده از دل باشد یا اینکه به قول فائزه هاشمی برای آینده سیاسی و شاید با انگیزه های انتخاباتی بیان شود.



مشارکت هستند، نشان می دهد در مقاطع مختلف اگر از اپوزیسیون سبقت نگرفته باشند، همیای معارضین نظام در مقابل مردم ایستاده و منافع آنها را هدف گرفته اند. مواضع تند آنها در برهه های مختلف باعث چالش آفرینی های زیادی برای کشور شده و حتی کار را به جایی کشانده که درون جریان اصلاحات نیز برخی در مقابل آنها بایستند. برای مثال همین جریان کارگزاران که طیف محافظه کار اصلاحات تعریف می شود و در واقع ریشه در جریان راست سه دهه پیش کشور دارد، در بسیاری از مواقع نظرات متفاوتی داشته و در مقابل رادیکال های اصلاح طلب موضع گرفته است. برای مثال در همین موضوع چالش ایران با دولت ترامپ و در ایام پیش از انتخابات، طیف رادیکال جریان اصلاحات رسما تبدیل به صدای ترامپ در ایران شده بود و کشور را دعوت به مذاکره و امتیازدهی به آمریکا می کرد و می کند، درحالی که دیگر چهره های این جریان چنین اعتقادی نداشتند و بعضا مانند حسین مرعشی عدم مذاکره را تایید می کردند.

در ماجرای اظهارات فائزه هاشمی هم دوباره این مساله سر باز کرد. از یک سو افرادی چون صادق زیبا کلام به میدان آمدند و از اظهارات وی دفاع کردند و از سوی دیگر فردی چون حسین مرعشی طی یادداشتی هم موضع خود را از فرزند آیت الله هاشمی جدا کرد و هم حزب کارگزاران. صادق زیبا کلام در صفحه شخصی خود در توییتر با حمایت از فائزه هاشمی نوشت: «بسیاری از به اصطلاح مردان، تیغ برداشته و به سمت بانو فائزه هاشمی نشانه رفته اند». درحالی که او صادقانه احساس میلیون ها تن از هموطنانش را منعکس ساخت که هیچ نوری و روزنه امیدی در انتهای تونل سیاه سیاسی کشورشان نمی بینند و به غلط یا درست امیدوار بودند فشار ترامپ شاید سبب فرجی شود». و در مقابل حسین مرعشی، سخنگوی کارگزاران سازندگی با تاکید بر مساله استقلال کشور و اینکه حزیش هیچ گاه مسائل داخلی را با موضوعات

سیاست هایی را داشته باشیم،» در پاسخ به این اظهارات برادرش محسن هاشمی نامه ای خطاب به وی تنظیم و منتشر می کند به این مضمون که «می دانی که ترامپ به واکنش احساسی و به دور از عقلانیت ایران در این ماه های آخر دل بسته بود تا بتواند آتش جنگ را روشن کند که با هشیاری و تدبیر مسئولان، به ویژه رهبر انقلاب این توطئه نا کام ماند و ایران با سرافرازی و ترامپ با شکست، سخت ترین دوره تحریم ها را به پایان رساند.... ترامپ کاری جز تهدید، تحریم، بدعهدی، ترور، توهین علیه ایران انجام نداد و سیاستمداری لمین و قمار باز است و من سقوط ترامپ را به ملت های ایران و آمریکا تبریک گفتم... می دانم که در سال های اخیر برخوردهای نادرستی با تو، خانواده و فرزندت شده است که شاید باعث کشاندن توبه تندروری و خارج شدن از مشی میانه روی پدر گردیده، ولی این دلیل نمی شود که به رئیس جمهور کشور بیگانه امید ببندی و دم از استقلال بزنی! لذا از تو صمیمانه تقاضا دارم صحبت های خود را اصلاح و از این موضع عذرخواهی کنی.»

این موضع محسن هاشمی که البته مورد استقبال بسیاری قرار گرفت، باعث نشد که ماجرا ختم به خیر شود یا حداقل ادامه پیدا نکند، چرا که روز گذشته فائزه هاشمی با کنایه پاسخی تند و تیز به محسن منتشر کرد و هم بر موضع اولیه خود اصرار کرد و هم برادرش را به سیاسی کاری متهم کرد. او در ابتدای پاسخ خود آورده بود که «به او (محسن) حق می دهم چون برای خودش آینده ای ترسیم کرده و دنبال حذف موانع است.» و سپس دوباره ادله قبلی خود درباره اینکه چرا حامی ریاست جمهوری ترامپ بوده را مطرح کرد.

داستان قدیمی اصلاح طلبان رادیکال با نظام

مرور مواضع طیف های رادیکال جریان اصلاحات که غالبا اعضای حزب منحل

اگر تا همین یکی، دو روز پیش نظرخواهی برگزار می کردیم و از کارشناسان سیاسی، جامعه شناسان یا اهالی رسانه می پرسیدیم «در جغرافیای ایران آیا کسی وجود دارد که از شکست و حذف دونالد ترامپ ناراحت باشد؟» همگی اذعان می کردند که بعید است کسی دل در گرو ایران داشته باشد و از پیروزی ترامپ در انتخابات و تداوم دوران ریاست جمهوری او خوشحال و بابت شکست وی ناراحت باشد.

حالا اما با انتشار گفت و گوئی فائزه هاشمی فرزند مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی مشخص شد نه تنها ممکن است چنین افرادی در کشور باشند که حتی این امکان مفروض است که از میان فعالان سیاسی و کسانی که بالاخره سال ها دستنی بر آتش داشته اند، چنین ایده و نظری پخته و منتشر شود. این البته بخش اول ماجراست و زمانی موضوع جدی تر و چالش حادتر می شود که علاوه بر نگاه به اولین گفت و گوئی فائزه هاشمی، پاسخ او به نامه برادرش محسن را هم دیده و اصرار او بر حرف های قبلی را مدنظر بگیریم، جایی که نشان می دهد او متفاوت از حرف های شاید اتفاقی یک انسان، در این خصوص با علم سخن گفته و بر ایده خود پافشاری می کند.

منافع مردم و ماجرای که نباید به یک دعوای خانوادگی تقلیل یابد

برای بحث بیشتر و بررسی این موضوع البته لازم است خود را درگیر دو موضوع فرعی و فاقد اولویت نکنیم؛ چرا که ممکن است سطح این مساله را تقلیل یابد و اساسا از موضوع اصلی منحرف شویم. اول اینکه نباید با حب و بغض سیاسی به این ماجرا تگرست و از عینک حامیان یا منتقدان مرحوم آیت الله هاشمی با ماجرا مواجه شد. هرچند شاید برخی استدلال کنند که گرایش ها و مواضع آیت الله هاشمی به عنوان پدر روی نظرات فائزه هاشمی تاثیر داشته باشد اما واقع ماجرا این است که این موضوع فراتر از نقدهای ما به مواضع رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام است. دومین موضوع هم این است که نباید اظهار نظر فائزه هاشمی، پاسخ برادرش محسن، جوابیه فائزه و نهایتا نامه یاسر را یک چالش درون خانوادگی دید و آن را به این سطح نازل آورد، دلایلش هم مشخص است، اول اینکه چنین دوقطبی درون جریان اصلاح طلب و میان برخی اعضای آن، بحث ریشه داری است و صرف نظر از اینکه چه کسانی امروز در دو قطب این داستان روبه روی هم ایستاده اند، قابل بررسی است و ثانیا اینکه این ماجرا آنقدر کلان هست و اثرات بزرگی دارد که عملا نمی شود آن را در قالب یک بحث و جدل خانوادگی گنجانده و اثرات فراگیر آن را حداقل در میان افراد و احزاب اصلاح طلب و بدنه اجتماعی آنها نادیده گرفت.

برای دقت بیشتر بیایید ابتدا بحث را یک بار از اول مرور کنیم. فائزه هاشمی طی یک گفت و گوئی اینستاگرامی به صراحت بیان می کند که «من قیلا هم گفته بودم که برای ایران دوست داشتم آقای ترامپ انتخاب شود ولی اگر یک آمریکایی بودم به آقای ترامپ رای نمی دادم.» او برای توجیه این حرف خود استدلال می آورد که «به خاطر همین فشارهایی که (ترامپ به ایران) می آورد، بالاخره شاید یک تغییر سیاستی اتفاق بیفتد. مردم هرچه تلاش می کنند اصلاحات انجام بگیرد.» مرغ یک پا دارد» و هیچ خبری نمی شود و برعکس مردم سرکوب می شوند، شاید اگر فشارهای آقای ترامپ ادامه پیدا می کرد، بالاخره ما مجبور می شدیم یک تغییر

علیزاده طباطبایی، عضو شورای مرکزی حزب سازندگی در گفت و گو با «فرهنگیستان»:

حمایت فائزه هاشمی از ترامپ ربطی به کارگزاران

و آیت الله هاشمی ندارد

هیچ کس نمی تواند جنایت ترور سردار سلیمانی را از پرونده سیاست خارجی آمریکا پاک کند

خارج کشور می گفتند آمریکا چه آسیبی به ما زده است، درحالی که تنها نقطه سیاه در پرونده آمریکا کودتای ۲۸ مرداد بود که مدافعان آمریکا همیشه مدارک و دلایل خود را ارائه می کردند که کودتای ۲۸ مرداد همان قدر که مورد حمایت آمریکا و انگلیس بود، مورد حمایت مراجع تقلید روز هم بوده است اما جنایتی که ترامپ مرتکب شد، نقطه سیاهی بود که دیگر هیچ کس نمی تواند آن را از پرونده سیاست خارجی آمریکا پاک کند. اما اینکه آیا دموکرات ها بهتر از جمهوری خواهان هستند و آیا بایدن بهتر عمل می کند یا خیر، باید منتظر بمانیم و ببینیم چه خواهد شد.

حمایت فائزه هاشمی از ترامپ ربطی به کارگزاران و آیت الله هاشمی ندارد

نظر شما دقیقا پیرامون موضع حمایتی فائزه هاشمی از ترامپ چیست؟

در مورد اظهار نظر خانم هاشمی و تقابلی که با ایشان شده من منطقی ترین و بهترین پاسخی که دیدم پاسخ آقای مرعشی بود که ایشان ضمن حفظ حرمت خانم هاشمی تاکید بر این داشت که اظهارات ایشان، مربوط به شخص خود خانم هاشمی است و ارتباطی به تفکر و دیدگاه مرحوم آیت الله هاشمی و حزب کارگزاران هم ندارد. خانم هاشمی شخصا حرفی بیان کرده که ناشی از برخی بی حرمتی ها نسبت به ایشان و خانواده اوست، از سال ۵۸ تا امروز و حتی در اوج قدرت آقای هاشمی و خانواده ایشان آسیب دیده اند. مرحوم آیت الله لاهوتی در زندان آن اتفاق را تجربه می کند و رسما آقای هاشمی در خاطرات خود بیان می کند ایشان با سم در زندان کشته شده است و درواقع به خاطر حفظ مصالح نظام آقای

محمود علیزاده طباطبایی، وکیل خانواده هاشمی از فعالان سیاسی اصلاح طلب و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در گفت و گو با «فرهنگیستان» به تحلیل رفتار و مواضع اخیر فائزه هاشمی در حمایت از ترامپ و نامه انتقادی محسن هاشمی به او پرداخت که مشروح این گفت و گو در ادامه از نظر می گذرد.

۱۱۱

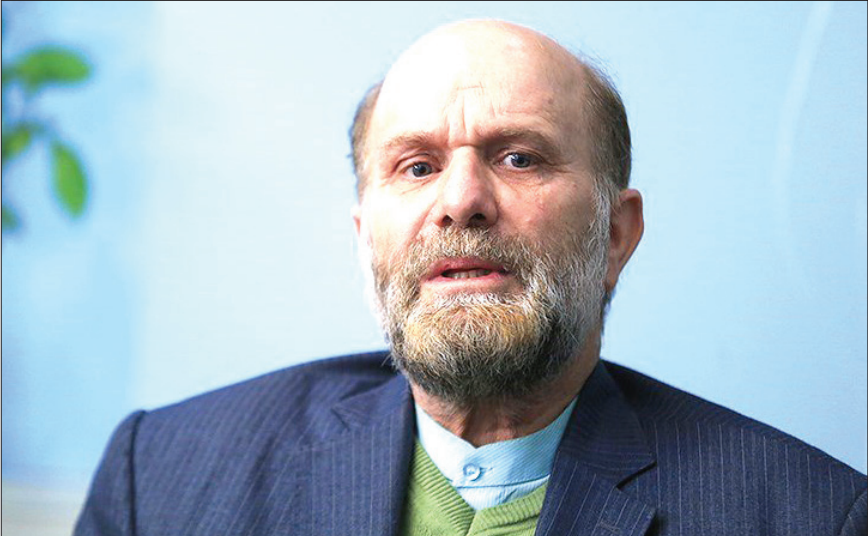
درخصوص اتفاقاتی که پیرامون دفاع از ترامپ در فضای سیاسی کشور رخ داد و بعد از دفاع خانم هاشمی از ترامپ، محسن هاشمی موضع انتقادی گرفت، نظر شما چیست، با توجه به اینکه ترامپ نشان داده با ایران پدر کشتگی و رفتار خصمانه دارد. در اینکه ترامپ مثل رئیس جمهور سابق ما یک فرد نامتعادل بود، تردیدی وجود ندارد چرا که ترامپ به دنبال تامین منافع ملی آمریکا بود و در این زمینه هم تا روزهای آخر موفق بود، به همین دلیل آمریکایی ها از آن راضی بودند و رای بالایی هم آورد.

ترامپ فرد پستی است که بزرگترین دشمنی او ترور سردار سلیمانی بود

اما در مورد دشمنی اش با ایران باید گفت بزرگترین دشمنی ای که ترامپ با ایران داشت قتل و ترور سردار شهید ما بود لذا در اینکه ترامپ آدم پستی است و بیشترین لطمه را به ایران زده است، هیچ تردیدی نیست.

هیچ کس نمی تواند جنایت ترور سردار سلیمانی را از پرونده سیاست خارجی آمریکا پاک کند

واقعیت این است که مدافعان آمریکا همیشه در داخل و



طرف داده شود تا صحبت کنند، هرچند من وکیل مدافع خانم هاشمی در این اظهار نظر نیستم.

بعد از اینکه فائزه هاشمی این موضع را گرفتند، برخی همه اصلاح طلبان را نقد کرده و گفتند این نگاه همه اصلاح طلبان به ترامپ است. درحالی که ما می دانیم این چنین نیست اما این مرزبندی باید تبیین شود تا مردم ببینند و بشنوند که اصلاح طلبان با ترامپ مرزبندی دارند و این طور نیست که قاتل سردار سلیمانی را تایید کنند.

من می گویم خانم هاشمی، قاتل سردار سلیمانی را در این امر تطهیر نکرده بلکه بحث ایشان بیشتر اصلاح روش برخورد با معترضان و مخالفان در داخل بوده است و از این رو برداشت ایشان این است که اگر ترامپ می ماند فشارها باعث تغییر رفتار نظام می شد، در صورتی که این طور نبوده است، مگر در چهار سالی که ترامپ بود نظام رفتار خود را تغییر داده است؟ دستگاه های امنیتی همان سطره را بر همه ابعاد تصمیم گیری های سیاسی، قضایی، اقتصادی و... دارند و هیچ تغییری نیز حاصل نشده است؛ چه بسا به دلیل موقعیت تهدیدی که وجود داشته، این دستگاه ها تقویت هم شده و زور آنها بیشتر شده است. بنابراین من دیدگاه خانم هاشمی را به هیچ وجه قبول ندارم ولی این برخورد یکطرفه با خانم هاشمی را نیز منطقی و درست نمی دانم.

نداریم. به هر جهت در سیاست خارجی باید آن چیزی که در چشم انداز ۲۰ ساله به تصویب مقام معظم رهبری رسیده است، دنبال کرده و تعامل سازنده با جهان داشته باشیم.

واقعیت این است که در سال های گذشته این تعامل سازنده نبوده است و این افتخار نیست که در طول یک سال گذشته تنها کشور خارجی ای که پذیرای وزیر امور خارجه ما بوده عراق و افغانستان بوده از این رو نمی توان گفت همه دنیا درباره ما اشتباه می کند و ما راه درست را می رویم.

آیت الله هاشمی بارها به فائزه تذکر داده بود اما او تابع پدر نبود

ما باید رفتار خود را در ارتباط با تعامل سازنده با جهان اصلاح کنیم بنابراین فکر می کنم آن چیزی که نهایتا مدنظر فائزه هاشمی بود، این مساله است، ضمن اینکه او در زمان مرحوم آیت الله هاشمی هم همین رفتار را داشت و درواقع فائزه هاشمی پیرو و تابع پدر خود نبود هرچند پدر ایشان هم چند بار به او تذکر داده بود ولی روش آیت الله هاشمی در داخل منزل همان دموکراسی بود و هیچگاه ایشان را اجبار نمی کرد. تصور بنده این است که برخورد های تند و یک طرفه ای که تلویزیون با ایشان دارد و صرفا حرف های مخالفان او را منتشر کند درست نیست درحالی که باید تریبون به دو